

فی فضیلة امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه

خواجه شرع آفتاب جمع دین
ظل حق فاروق اعظم شمع دین
ختم کرده عدل و انصافش به حق
در فراست بوده بر وحیش سبق
آنک حق طاهها برو خواند از نخست
تا مطهر شد ز طاهها و درست
های طاهها در دل او های و هوست
فرخ آنک از های و هو درهای هوست
آنک دارد بر صراط اول گذر
هست او از قول پیغمبر عمر
آنک اول حلقه دار السلام
او بدست آرد زهی عالی مقام
چون نخستش حق نهد در دست دست
آخرش با خود برد آنجا که هست
کار دین از عدل او انجام یافت
نیل جنبش، زلزله آرام یافت
شمع جنت بود و اندر هیچ جمع
هیچ کس را سایه‌ای نبود ز شمع
شمع را چون سایه‌ای نبود ز نور
چون گریخت از سایه او دیو دور
چون سخن گفתי حقیقت بر زفانش
از رای قلبی خدا گشتی عیانش
که ز درد عشق جان می‌سوختش
که ز نطق حق زفان می‌سوختش
چون نبی دیدش که او می‌سوخست زار
گفت شمع جنت است این نامدار